

بررسی میزان رضایت از بازسازی پس از جنگ از دریچه میزان ایجاد حس تعلق در بازماندگان (نمونه موردی: رفیع، استان خوزستان)

محمدابراهیم مظهري*، علی حسینی**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۸/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۹/۱۰/۱۳

چکیده

ارزیابی و مستندسازی بازسازی پس از جنگ (به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین انواع در فرایندهای بازسازی) به‌منظور درس‌آموزی در سوانح احتمالی آتی نقشی حیاتی دارد. با وقوع جنگ ۸ساله تحمیلی، شهر رفیع پس از اشغال با تخریب ۱۰۰٪ مواجه شد. فرایند بازسازی این شهر پس از آزادسازی با رویکردی متفاوت نسبت به سایر تجارب (تأکید دست‌اندرکاران بر ارتقای نقش بازماندگان و توجه به نیازها و خواسته‌های آنان) آغاز گردید. این پژوهش با هدف ارزیابی میزان موفقیت بازسازی شهر رفیع از دریچه میزان ایجاد حس تعلق در ساکنین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای تعیین‌کننده رضایتمندی سکونتی با رویکرد تلفیقی کمی و کیفی، با هدف کاربرد تجارب در فعالیت‌های آتی و به روش توصیفی انجام شده‌است. سه فرضیه اصلی پژوهش بر تأثیر گرفتن میزان رضایتمندی و حس تعلق در بازسازی پس از جنگ از احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی، استوار است. نمونه مطالعاتی به روش تصادفی - خوشه‌ای انتخاب و داده‌های لازم جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق پرسشنامه، مطالعات میدانی، مصاحبه با مطلعین و مسئولین گردآوری شده‌است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t -test گروه‌های وابسته استفاده شده‌است. میانگین به‌دست‌آمده برای فرایند بازسازی و ایجاد حس تعلق از طریق احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم (فرضیه یک) ۲,۴۳ از ۵؛ همچنین ایجاد حس تعلق به محل سکونت از طریق درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی (فرضیه دوم) ۳,۴۵ از ۵ و میزان مطلوبیت این فرایند برای مردم (فرضیه سه) ۲,۸۷ از ۵ در مقیاس طیف لیکرت می‌باشد که نشان‌دهنده رد فرضیه نخست و سوم و قبول فرضیه دو می‌باشد. در پایان، با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرایند بازسازی رفیع، مجموعه‌ای از نکات و پیشنهادات جهت کاربست در تجارب آتی به تفکیک شاخص‌های اولویت‌دار پژوهش ارائه شده‌است.

کلمات کلیدی: رفیع، رضایتمندی، حس تعلق، بازسازی پس از جنگ، جنگ تحمیلی.

* استادیار، گروه معماری، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز. e.mazhary@gmail.com

** مربی، گروه معماری، دانشکده عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه

با وقوع سوانح با شدت بالا، تاریخ بشریت هرچه بیشتر به سمت مسابقه میان آموزش و فجایع پیش می‌رود (Buri, 2008). یکی از مهم‌ترین روش‌های کسب آموزش ارزیابی و مستندسازی وقایع به منظور درس‌آموزی است (فلاحی، ۱۳۹۰). استفاده از تجربیات و ارزیابی بازسازی پس از جنگ در استان خوزستان می‌تواند ارائه‌دهنده درس‌های مفیدی برای بازسازی‌های دیگر باشد تا نقایص گذشته رفع و نکات مثبت آن تقویت گردد. قلمرو پژوهش حاضر به بررسی میزان موفقیت بازسازی (رضایتمندی^۱ بازماندگان) از دریچه حس تعلق^۲، حس مکان^۳، تعلق مکانی^۴ و رضایت ناشی از آن، در استان خوزستان به‌ویژه شهر رفیع محدود می‌گردد.

می‌دانیم که جنگ‌ها منظر عینی را دچار تخریب گسترده می‌کنند درحالی‌که منظر ذهنی افراد در راستای آنچه پیش از جنگ وجود داشته‌است ادامه پیدا می‌کند (جلالی، ۱۳۹۶). در جریان جنگ تحمیلی شانزده شهر و چهارصد و سی و پنج روستای استان خوزستان دچار آسیب شده و پنج شهر خرمشهر، سوسنگرد، بستان، هویزه و رفیع به‌طور کامل اشغال گردیدند. براساس گزارش هیئت کارشناسی سازمان ملل، تخریب شهرهای مختلف استان به ترتیب، آبادان ۶۰ درصد، خرمشهر ۸۸ درصد، دشت آزادگان ۷۳٪ و شهرهای هویزه و رفیع به‌طور ۱۰۰٪ بوده‌است.

طرح مسئله

با الهام از تجارب بازسازی پس از جنگ جهانی دوم در کشور فرانسه، سه شیوه در بازسازی شهرهای جنگ زده در استان خوزستان به کار گرفته شد که عبارتند از بازسازی تاریخی، بازآفرینی و نوسازی منطقی که به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد (کوپ اناتول، ۱۳۶۶):

الف- بازسازی تاریخی: بازسازی شهرهای سوسنگرد و آبادان نمونه‌هایی از این‌گونه بازسازی است، هدف این بوده که شهرها بدون تغییر بازسازی شوند، به‌گونه‌ای که تا حد امکان سیمای عمومی پیشین شهرها حفظ گردد.

ب- بازآفرینی (نوگرایی): شهر هویزه در منطقه دشت آزادگان در استان خوزستان بهترین نمونه عملیات بازسازی انجام‌شده در شرایط رها کردن گذشته می‌باشد. به دلیل عدم توجه به نیازها، خواسته‌ها و فرهنگ مردم، نوگرایی صورت گرفته موجب نارضایتی ساکنین و ایجاد تغییرات زیاد توسط مردمدر مسکن‌های نوسازی شده‌است (مطوف، ۱۳۶۷؛ ۱۸۳).

بی‌مکانی یا از دست دادن حس مکان از مهم‌ترین عواقب تخریب‌های بحران و بازسازی همانند و یکسان مکان‌ها پس‌از آن است (لک و غلام‌پور، ۱۳۹۴). درحالی‌که ارتقای هویت جمعی از طریق ایجاد حس تعلق ساکنین از مهم‌ترین فرصت‌های بازسازی نیز می‌تواند باشد؛ بنابراین یک برنامه بازسازی، می‌بایست بازگرداندن و ایجاد حس تعلق فضا- مکانی را بیش از ساختن کالبد، موردتوجه قرار دهد (جلالی، ۱۳۹۶).

ج- نوگرایی منطقی: پس از جنگ و در سومین مرحله بازسازی، شهر رفیع در جهت چیزی که می‌توان آن را از دیدگاه صاحب‌نظران، نوگرایی منطقی (بدین معنی که هیچ دگرگونی عمده و تغییر اساسی در ساخت شهری صورت نگرفت) نامید، بازسازی شد. طرح جدید در خطوط کلی خود، ساخت قدیمی شهر را موردتوجه قرار داده و نیازهای جدید بدون افراط در طراحی بازسازی شهر لحاظ گردیده‌است. بازسازی نوگرایی منطقی رفیع، سازش بین کهنه و نو است و گذشته غالباً در آن برتریدارد و نو جز به‌گونه‌ای محتاطانه و به

ملایم‌ترین شکل ممکنه در آن گنجانده نشده‌است.

از تمایزهای بازسازی پس از جنگ این است که در آن مهاجرت‌های اجباری، عمیق‌تر است به طوری که ایشان به مراتب بیش از مهاجرین مصائب طبیعی برای بازگشت به شهر و دیارشان مقاومت می‌کنند. این مقاومت با زمان و خسارات جنگ رابطه مستقیم دارد. به عنوان مثال طولانی شدن جنگ باعث می‌گردد که بسیاری از مهاجرین موقتی، در مناطق جدید سکونت دائمی اختیار کنند (آرتور، ۱۳۶۴).

سؤالات تحقیق

- در فرایند بازسازی رفیع میزان توجه به حفظ و احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی چقدر بوده‌است؟
- در فرایند بازسازی رفیع رضایت براساس میزان درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی چقدر بوده‌است؟
- میزان رضایت مردم از فرایند بازسازی پس از جنگ رفیع (براساس دو فاکتور فوق‌الذکر از مجموعه فاکتورهای حس تعلق) چقدر است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، ارزیابی میزان موفقیت بازسازی شهر رفیع (میزان رضایت بازماندگان) از دریچه مفهوم حس تعلق و بیان نقاط ضعف و قوت آن در سه فرضیه پژوهش است. همچنین می‌توان به موارد زیر به عنوان اهداف خرد اشاره کرد:
- بررسی میزان احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم به عنوان یک عامل اثرگذار بر حس تعلق.
- بررسی حفظ مالکیت اراضی و درجاسازی شهر رفیع و تأثیر آن بر حس تعلق مردم به محیط زندگی.
- بررسی میزان رضایت مردم از فرایند بازسازی محل سکونتشان در شهر رفیع.
- فرضیه‌های تحقیق بازسازی موجب احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم و تأثیر آن بر حس تعلق

مکانی مردم شده‌است.

- درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی بر حس تعلق مردم به محل سکونتشان تأثیر داشته‌است.
- رضایت مردم از بازسازی، مطلوب است (فرایند بازسازی موفقیت‌آمیز بوده‌است).

بحث و یافته‌ها

شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی به مکان تا حس فداکاری نسبت به مکان را شامل می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵).

عوامل تعلق مکانی دو نوع عوامل ادراکی و کالبدی هستند. در عوامل ادراکی، رابطه انسان و مکان تعاملی است، یعنی انسان‌ها چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می‌دهند و سپس از آن می‌گیرند و چگونگی فعالیت‌ها در کیفیت تأثیر از محیط تأثیرگذار است. از نظر فریتز استیل، مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. از نظر شولتز، حس مکان در مکان‌های دارای شخصیت مشخص و متمایز وجود دارد (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۴) و (فلاح، ۱۳۸۵).

از نظر لینچ نیز احساس مکان عاملی ارتباطی و وحدت‌بخش میان انسان و مکان است و فضای دارای هویت قابل ادراک، قابل شناسایی و به یادماندنی و نمایان، حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند (لینچ، ۱۳۷۶).
بنابراین ویژگی‌های کالبدی محیط یا ایجاد معانی و

هرچه سابقه سکونت و حس مالکیت افراد افزایش یابد آن‌ها احساس تعلق بیشتری خواهند داشت؛ بنابراین مالکیت زمین به دلیل امکان ایجاد اصلاحات و تغییرات جدید، یکی از مسائل مهم بازسازی است که بایستی به‌گونه‌ای مطلوب حل شود (جدول شماره ۱).

فعالیت، در ایجاد حس مکان مؤثر است. فعالیت‌ها با رضایت‌مندی از ویژگی‌های متغیر محیط (مانند دما، صدا و مکان)، فعالیت‌های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستای محیط (ابعاد، تناسبات و فرم‌ها) به‌وجود می‌آید.

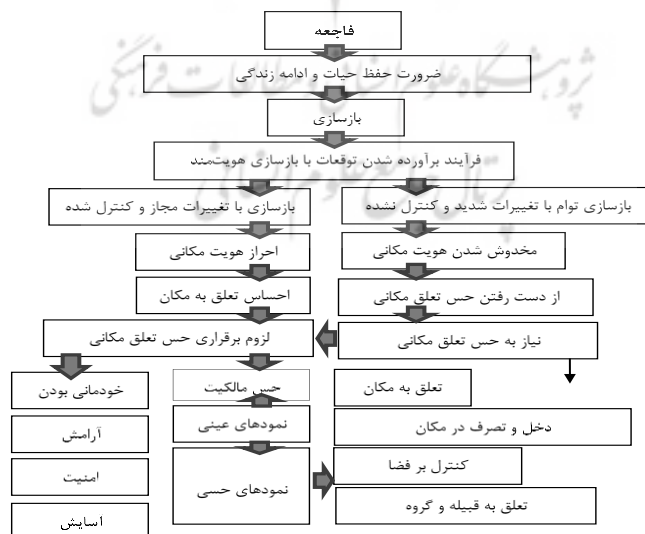
| ردیف | سطوح حس مکان | کاربرد فرآیند تعلق مکان |
|------|-------------------|--|
| ۱ | بی‌تفاوتی | پایین‌ترین سطح سنجش احساس فرد |
| ۲ | آگاهی از قرارگیری | تشخیص نمادها |
| ۳ | تعلق | احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن |
| ۴ | دل‌بستگی | ارتباط عاطفی و پیچیده فرد |
| ۵ | یکی شدن با اهداف | درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان |
| ۶ | حضور در مکان | نقش فعال فرد در اجتماع به‌دلیل تعلق مکان |
| ۷ | فداکاری | عمیق‌ترین تعهد فرد |

ج ۱. دسته‌بندی سطوح حس مکان از نظر شامای (فلاحت، ۱۳۸۵)

مردم رفیع برای رسیدن به بازسازی با هویت، مستلزم طراحی بازسازی با تغییرات کنترل‌شده‌ای است تا در راستای حس تعلق مردم حرکت کند. از طرفی حس مالکیت در مردم رفیع بسیار بالا بوده و به‌نظر می‌رسد که توجه به این حس، می‌تواند علاوه بر تقویت تعلق کالبدی مردم رفیع، تعلق اجتماعی نیز در پی داشته باشد. نمودار شماره ۱ ارتباط میان بازسازی پس‌ازجنگ و فاکتورهای تعلق مکانی را نشان می‌دهد.

چارچوب نظری و روش تحقیق

صاحب‌نظران، جوهره هویت را تعلق می‌دانند، بدین معنا که هویت، درنهایت به تعلق ختم می‌شود، تعلق به سرزمین، فرهنگ، آداب، زبان، قومیت و همچنین تعلق مکانی؛ ازسوی دیگر هویت جزء ویژگی‌های یک پدیده نیست بلکه حاصل توافقی میان فرد و پدیده است. پس نمی‌تواند قائم به پدیده و ثابت باشد. فرآیند برآورده شدن توقعات مردم جنگ‌زده، به‌ویژه



ن ۱. ارتباط میان بازسازی و حس تعلق

تعلق با وضعیت مالکیت و سابقه سکونت ارتباط دارد، با افزایش سابقه سکونت و حس مالکیت، این دو حس نیز افزایش خواهند یافت. براین اساس توجه به نموده‌های عینی و حسی مالکیت در برنامه‌ریزی و طراحی بازسازی رفیع و تأثیر آن بر تعلق مکانی و اجتماعی مردم، به‌عنوان محور سنجش تحقیق بوده‌است. در جدول شماره ۲ شاخص‌های سنجش فرضیه‌های تحقیق ارائه شده که در آن برای هر شاخص یک متغیر در مقیاس رتبه‌ای با بهره‌گیری از طیف لیکرت طراحی شده‌است.

نمودار شماره ۱، ضرورت حفظ و ادامه زندگی پسافاجعه، تسریع در بازسازی را توجیه می‌کند. در اینجاست که لزوم بازسازی هویت‌مند که از طرف مردم مقبول بوده و توقعاتشان را برآورده نموده معنا پیدا می‌کند. بازسازی توأم با تغییرات شدید احتمال بحران و مخدوش شدن هویت مکانی و حس تعلق مکانی را به‌دنبال دارد. این تغییرات موجب از میان رفتن ویژگی‌های کالبدی و معنایی است به‌طوری‌که دیگر قابل‌بازشناسی نباشند. از سوی دیگر، نکته بااهمیت این است که حس مکان و

| ردیف | فرضیه‌ها | شاخص‌ها |
|------|--|---|
| ۱ | حفظ و احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی | <ul style="list-style-type: none"> - مقایسه متوسط تعداد افراد خانوار پیش و پس از جنگ - مقایسه مطلوبیت معیشت سرپرست خانوار پیش و پس از جنگ - مطلوبیت شرایط و امکانات معیشتی نسبت به پیش از جنگ - امکان اسکان بازماندگان در دوران جنگ - اولویت اول شروع بازسازی از نظر ساکنین - کمک نقدی در فرایند بازسازی - میزان وام پرداختی در فرایند بازسازی |
| ۲ | درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی و تأثیر آن بر حس تعلق مردم به محل سکونتشان | <ul style="list-style-type: none"> - تناسب مکان بازسازی با خواسته بازماندگان - رضایت از موقعیت مکانی خانه کنونی - رضایت از حفظ روابط همسایگی پیش از جنگ در بازسازی - تناسب میزان جابجایی محل خانه با ترجیح بازماندگان |
| ۳ | میزان رضایت مردم از بازسازی | <ul style="list-style-type: none"> - بهبود خدمات عمومی نظیر مدارس نسبت به پیش از جنگ - رضایت کلی بازماندگان از بازسازی خانه‌شان - رضایت کلی بازماندگان از بازسازی شهرستان |

ج ۲. فرضیه‌ها، شاخص‌ها و نحوه طراحی چیدمان پاسخ به پرسش مربوط به هر یک از آن‌ها

چهار مرحله‌ای استفاده گردید. به شرح زیر نمونه مطالعه انتخاب گردید: در مرحله اول شهر به چند منطقه تقسیم و در مرحله بعد هر منطقه به چند محله طبقه‌بندی شد، در مرحله سوم از هر منطقه تعدادی خانوار به صورت ضربدری تصادفی انتخاب شدند و در نهایت با ۱۰۰ نفر از خانوارها مصاحبه استاندارد به‌عمل آمد. داده‌های کمی به‌وسیله شیوه‌های آماری و با کمک نرم‌افزار SPSS و خروجی‌های به‌دست آمده، به‌همراه داده‌های کیفی مانند مصاحبه با مردم مسئولین و صاحب‌نظران امر بازسازی، عکس و فیلم، نقشه و

پژوهش حاضر با رویکرد تلفیقی (کمی و کیفی) و با هدف کاربردی انجام شده و از حیث روش توصیفی است. اگر روایی را توانایی گردآوری داده و تجزیه و تحلیل آن‌ها و همچنین حذف کلیه عوامل مخل (براتی، ۱۳۹۱) در طول فرایند بدانیم، گردآوری داده به روش آسنادی و مطالعه میدانی انجام شده و جامعه موردنظر شهر رفیع (کلیه شهروندان و ساکنین دو بخش شمالی و جنوبی شهر با جمعیت ۳۸۳۲ نفر در قالب ۶۳۲ خانوار) در دشت آزادگان خوزستان است. همچنین از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای

کروکی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این مرحله و به منظور تست پایایی پژوهش از آزمون t -test گروه‌های وابسته استفاده شده است که یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل و استنباط آماری است که کمک می‌کنند، به واسطه اطلاعاتی که یک نمونه از جامعه آماری در اختیارمان می‌گذارد به یک تصمیم در مورد جامعه آماری برسیم (براتی، ۱۳۹۱).

مرور فعالیت‌های بازسازی خوزستان (ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده، ۱۳۷۰).

آغاز فعالیت‌های بازسازی به سال ۱۳۶۰ بازمی‌گردد که طی سال‌های گذشته شاهد تغییراتی در سیاست‌ها و روش‌ها در همه ابعاد بوده است. سابقه بازسازی را می‌توان در سه مرحله مورد بررسی قرار داد: از ابتدا تا سال ۶۱، از سال ۶۱ تا ۶۷ و از ۶۷ به بعد.

مرحله اول از ابتدا تا اواسط سال ۱۳۶۱: در این مرحله مناطق شهری آسیب‌دیده به خصوص واحدهای صنعتی بزرگ به صورت متفرقه و بدون وجود مدیریت خاصی و به تبعیت از سیاست‌های بخشی بازسازی می‌گردیدند.

مرحله دوم از سال ۶۱ تا ۶۷: با پیروزی عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ مسئله بازسازی به طور گسترده‌ای در کشور مطرح گردید. ستادهای بازسازی در استان‌های جنگ‌زده و ستادهای معین در سایر استان‌ها (مانند آستان قدس رضوی معین بازسازی هویزه) که به ترتیب مسئولیت مستقیم و همکاری را به عهده داشتند؛ تشکیل شدند (مظهری، ۱۳۷۲). در این مرحله زدودن آثار ویرانی‌ها اهمیت یافت این در حالی است که با رویکرد توریستی، آثار جنگ یک فرصت اصلی محسوب می‌شود (Mirisae & Ahmad, 2018).

در مجموع، باید گفت این مرحله بازسازی، شتاب‌زده

بود که اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را به دنبال خود داشت. نمونه بارز آن بازسازی شهر هویزه در سال ۶۱ است که به دلیل عدم مشارکت مردم، عدم توجه به نیازها و فرهنگ مردم و عدم رعایت اصول بازسازی هم‌اکنون اثرات آن به صورت نارضایتی و ایجاد تغییرات زیاد توسط مردم در مسکن، ناخرسندی مسئولین محلی، انتقاد شدید صاحب‌نظران و به‌طور کلی عدم کارایی شهر بروز کرده است (مطوف، ۱۳۶۷) و (مطوف، ۱۳۶۵).

مرحله سوم از سال ۶۷ به بعد: در نیمه دوم سال ۶۷ عملیات پاک‌سازی آبادان و خرمشهر آغاز شد. پایان سال ۶۸ و آغاز سال ۶۹ در واقع فصل جدیدی در کار بازسازی به حساب می‌آید. در سال ۶۸ با تقسیم وظایف بازسازی در کلیه سازمان‌ها و نیروهای که در بازسازی نقش داشتند و با گردآوری اطلاعات و تشکیل پرونده در خصوص وضعیت اماکن با کاربری‌های مختلف که صدمه‌دیده بودند، برنامه از چارچوب لازم برخوردار و پس از تأمین اعتبارات لازم عملیات شروع شد (S.M, 2015 M.A, & A.).

از سوی دولت پایان سال ۱۳۷۶ خاتمه بازسازی اعلام و ستادهای بازسازی منحل گردید. کار پیگیری امور باقی‌مانده به گروه پیگیری بازسازی محول شده و این گروه تا پایان سال ۱۳۸۶ به فعالیت ادامه داد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بررسی اولیه داده‌ها، نتایج زیر براساس صد پرسشنامه تکمیلی تحلیل شده است. در این بررسی علاوه بر ویژگی‌های فردی ساکنین، دیدگاه آنان در مورد سؤالات پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی به تفکیک فرضیه‌ها بررسی شده است.

فرضیه یک: خلاصه پاسخ‌های، پرسش‌های این فرضیه در جدول شماره ۳ آمده است.

فرضیه شماره دو: خلاصه پاسخ‌های اخذشده از پرسش‌های این فرضیه در جدول شماره ۴ می‌باشد. فرضیه شماره سه: خلاصه پاسخ‌های ۲ پرسش مرتبط با این فرضیه در جدول شماره ۵ ارائه شده‌است.

| شماره پرسش | پرسش | پیش از جنگ | پس از جنگ |
|------------|--------------------|-------------|---------------|
| ۱ | تعداد افراد خانوار | ۲۰-۱ | ۱۷-۱ |
| ۲ | مطلوبیت معیشت | ۸۴ | ۱۶ |
| ۳ | امکانات معیشتی | ۷۸ | ۲۲ |
| ۴ | سکونت در دوران جنگ | دشت آزادگان | استان خوزستان |
| | | ۵ | ۹۵ |
| ۵ | اولویت | کشاورزی | خانه |
| | | %۵۲ | %۵ |
| ۶ | میزان کمک نقدی | ناکافی | کافی |
| | | ۹۵ | ۵ |
| ۷ | میزان وام پرداختی | ۹۸ | ۲ |

ج ۳. پرسش‌های تعیین‌کننده وضعیت فرضیه نخست

| شماره پرسش | پرسش | راضی/مناسب | ناراضی/نامناسب |
|------------|---------------------|------------|----------------|
| ۱ | میزان جابجایی | %۷۱ | %۲۹ |
| ۲ | موقعیت مکانی شهر | %۸۵ | %۱۵ |
| ۳ | موقعیت مکانی خانه | %۷۹ | %۲۱ |
| ۴ | موقعیت واحد همسایگی | %۸۲ | %۱۸ |

ج ۴. پرسش‌های تعیین‌کننده وضعیت فرضیه دوم

| شماره پرسش | پرسش | راضی / مناسب | ناراضی / نامناسب |
|------------|--------------------|--------------|------------------|
| ۱ | رضایت بازسازی خانه | %۸۲ | %۱۸ |
| ۲ | رضایت بازسازی شهر | %۷۸ | %۲۲ |

ج ۵. پرسش‌های تعیین‌کننده وضعیت فرضیه سوم

فرضیه دو با میانگین ۳,۴۵ تأیید گردید. بنابراین به‌نظر می‌رسد مردم از سیاست‌ها در زمینه احیای سنت‌ها، و در مجموع راضی نبوده‌اند. جداول شماره ۶ و ۷. میانگین و تفاوت میانگین برای فرضیه‌ها را نشان می‌دهد. پس از تحلیل روابط بین متغیرها در مراحل مختلف فرایند بازسازی توسط برنامه spss، خروجی آزمون به‌صورت جدول شماره ۸ حاصل گردید.

تحلیل استنباطی فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون One-Sample t-test استفاده شد. در این آزمون نقطه برش ۳ به‌طوری‌که اگر رضایت در محورها بالاتر از ۳ باشد آنگاه می‌توان به مطلوبیت بازسازی اشاره داشت؛ اما محاسبات انجام‌شده در سطح آلفای ۵٪ نشان داد که دو فرضیه یک و سه با میانگین زیر ۳ رد شده‌اند؛ و تنها

| فرضیه‌ها | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | Std. Error میانگین |
|--|-------|---------|------------------|--------------------|
| احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی | ۱۰۰ | ۲,۴۳ | ۳۷۰. | ۳۴. |
| درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی و تأثیر آن بر حس تعلق مردم | ۱۰۰ | ۳,۴۵ | ۳۸۴. | ۳۰. |
| میزان رضایت مردم | ۱۰۰ | ۲,۷۸ | ۴۷۳. | ۴۷. |
| میزان رضایت کلی از همه سیاست‌ها | ۱۰۰ | ۲,۷۸ | ۲۰۲. | ۲۰. |

ج ۶. میانگین و انحراف معیار گوپه‌ها در ارتباط با فرضیه‌ها

| One-Sample t-test | | | | | | فرضیه‌ها |
|-----------------------|-------|---------------|-----------------|----|--------|--|
| Test Value = نقطه برش | | | | | | |
| Upper | Lower | تفاوت میانگین | Sig. (۲-tailed) | df | t | |
| ۴۸۸۱- | ۶۳۵۲- | ۵۶۱- | ۰.۰ | ۹۹ | -۱۵.۱۵ | احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی |
| ۵۳۱۴. | ۳۷۸۶. | ۴۵۵. | ۰.۰ | ۹۹ | ۱۱.۸۱ | درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی و تأثیر آن بر حس تعلق مردم |
| ۱۳۶۱- | ۳۱۳۹- | ۲۲۰- | ۰.۰ | ۹۹ | -۴.۶۵ | میزان رضایت مردم |
| ۱۷۰۴- | ۲۵۰۶- | ۲۱۰- | ۰.۰ | ۹۹ | -۱۰.۴۱ | میزان رضایت کلی از همه سیاست‌ها |

ج ۷. تفاوت میانگین برای هر یک از فرضیه‌ها

| Std. Error میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | نوع آزمون | متغیرها | |
|--------------------|------------------|---------|-----------|--------------------|---------------------------------|
| | | | | متغیر وابسته | متغیر مستقل |
| ۰.۰۳۴ | ۰.۰۳۷ | ۲/۴۳ | T-test | تقویت حس تعلق مردم | احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی |
| ۰.۰۳ | ۰.۰۳۸۴ | ۳/۴۵ | T-test | تقویت حس تعلق مردم | درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی |
| ۰.۰۲ | ۰.۰۲۰۲ | ۲.۷۸ | T-test | میزان رضایت مردم | سیاست‌ها برنامه‌های بازسازی |

ج ۸. تفاوت میانگین برای هر یک از فرضیه‌ها

جمع‌بندی مطالعه در فرضیه‌ها

در سؤال ۲، ۸۴٪ پاسخگویان شرایط مالی و درآمدی را بدتر از قبل از جنگ دانسته و تنها ۱۵٪ این وضع را نسبت به پیش از جنگ مناسب‌تر می‌دانند. در مقایسه ترکیب معیشتی سرپرستان خانوار پیش و پس از جنگ، تغییر معناداری در ترکیب شغلی اهالی رفیع قابل‌رهگیری نیست. در نتیجه بازسازی توانسته از فرصت‌های ایجاد شده در بهبود وضعیت استفاده نماید.

در سؤال ۳، ۷۸٪ اظهار نموده که شرایط و امکانات کشاورزی و دامداری‌شان بد و بدتر از پیش از جنگ ۴٪ بدون تفاوت و تنها ۱۸٪ شرایط را بهتر از پیش از جنگ می‌دانند. این امر بیانگر بی‌توجهی برنامه‌ریزان بازسازی به اولین و اصلی‌ترین اولویت بازسازی از دیدگاه مردم رفیع، یعنی بازسازی معیشت آنان است.

در پاسخ به سؤال ۴، در خصوص محل سکونت موقت اهالی در زمان جنگ، ۹۵٪ اظهار نموده در سایر شهرهای خوزستان سکونت داشته‌اند. طولانی شدن زمان مهاجرت تأثیر از جوامع میزبان را افزایش و موجبات کاهش وابستگی اهالی به محیط زندگی خویش را فراهم آورده است.

در پاسخ به سؤال ۵، در ارتباط با اولویت‌های بازسازی شهر رفیع، پاسخگویان به ترتیب ۵۲٪

تحقیق حاضر با هدف کلی ارزیابی میزان موفقیت بازسازی رفیع (رضایت بازماندگان) از طریق بررسی میزان ایجاد حس تعلق و بیان نقاط ضعف و قوت آن از طریق آزمون سه فرضیه پژوهش انجام شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها متناسب با فرضیه‌های اصلی تحقیق به شرح زیر است:

- بازسازی موجب احیاء سنت‌های اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی مردم شده است.

برای آزمون فرضیه، از آزمون t- گروه‌های وابسته استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده 15 t و sig 15 در آلفای ۵٪ است که بیانگر معنی‌دار بودن رابطه بین دو متغیر هست.

در ارتباط با مؤلفه فوق، در سؤالات ۱-۷ دیدگاه ساکنان در زمینه پاسخگویی به سؤالات به قرار زیر است:

در سؤال ۱، تعداد افراد خانوار بعد از جنگ بین ۱ تا ۱۷ نفر بیان شده در حالی که آمار پیش از جنگ به ۲۰ نفر می‌رسیده که در مقایسه با دو آمار ۹۵ و ۸۵ حاکی از کوچک‌تر شدن خانواده‌ها و تمایل به خانواده هسته‌ای است.

برای آزمون این فرضیه از آنجایی که نگرش شهروندان نسبت به قبل و بعد از جنگ در رابطه تأثیر درجاسازی و حفظ مالکیت بر حس تعلق به محیط زندگی، محاسبه شده، از آزمون t-test گروه‌های وابسته استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده معنی دار بودن رابطه بین دو متغیر با t_{11} و sig_{81} در سطح آلفای ۰.۰۵ است.

جمع بندی مجموعه سؤالات ۸-۱۱ پرسشنامه که مربوط به این فرضیه‌اند به شرح زیر است:

در سؤال ۸، ۸۵٪ اعلام نموده که موقعیت مکانی شهر و خانه‌های بازسازی شده مناسب است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که مردم از شرایط مکانی بازسازی رضایت دارند.

در سؤال ۹، ۷۹٪ اظهار نموده که از موقعیت مکانی مسکن بازسازی شده رضایت داشته و تنها ۲۱٪ آنان از موقعیت خانه‌های بازسازی شده رضایت نداشتند.

در پاسخ به سؤال ۱۰، در ارتباط با رضایت از موقعیت همسایگی و مجاورت با همسایگان پیش از جنگ، ۷۹٪ از موقعیت مکانی خود راضی و ۸۲٪ در کنار همسایگان قبل از جنگ ساکن‌اند، این امر نشان دهنده عدم تغییر اساسی ترکیب بافت اجتماعی توسط بازسازی است.

در پاسخ به سؤال ۱۱، در خصوص میزان جابجایی محل خانه‌ها، ۳۸٪ میزان جابجایی را کم، ۱۱٪ خیلی کم و برای ۲۲٪ جابجایی صورت نگرفته است. این در حالی است که در کل موقعیت مکانی شهر به منظور اصلاح شبکه معابر و حفظ حریم رودخانه جابجایی صورت گرفته، اما به علت حفظ موقعیت همسایگی‌ها، تغییرات احساس نمی‌شود.

از آنجاکه الگوی بافت شهر قبل از جنگ متأثر از الگوی نظام قبیله‌ای بوده، لذا توجه به آن در طراحی بافت رفیع، سبب شده تا به حس تعلق ساکنین به مکان

بازسازی اراضی کشاورزی، به عنوان اولویت بازسازی می‌داند. این امر به خوبی تفاوت دیدگاه اهالی با مسئولان در این زمینه را نشان می‌دهد.

در پاسخ به سؤالات ۶ و ۷، ۹۵٪ پاسخگویان میزان کمک‌های بلاعوض دولتی را کم و ناچیز و ۹۸٪ نیز وام بانکی را کم می‌دانسته‌اند. ناکافی بودن کمک‌های بلاعوض دولتی از مهم‌ترین علل برآورده نشدن توقعات و نیازهای مردم از بازسازی مسکونی و تجاری است.

از آنجاکه در بازسازی اقدامی در جهت رونق کشاورزی و دامداری (پرورش گاو میش) و بهره‌گیری از تالاب (شکار ماهی و پرند) و استفاده از نی برای تولید حصیر) دیده نمی‌شود، ساکنین غالباً اظهار داشته‌اند که معیشتشان در قیاس با پیش از جنگ بدتر شده است. اعمال محدودیت در تردد ساکنین به تالاب (منطقه مرزی و نظامی)، موجب بدتر شدن معیشت درصد بالایی از مردم شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، بازسازی نه تنها در جهت توسعه معیشت مردم گام برنداشته، بلکه شرایط معیشتی پیشین را تضعیف کرده است.

از ۱۴۷۵ خانوار قبل تا سال ۱۳۸۵ تنها ۶۳۲ خانوار بازگشته و ساکن شده‌اند؛ بنابراین علی‌رغم تصور برنامه‌ریزان، بازسازی کالبدی به تنهایی نمی‌تواند به افزایش حس تعلق انجامیده و انگیزه بازگشت به موطن را فراهم نماید.

انتخاب طرح خانه‌ها، انطباق با سنتشان را فراهم ساخته، اما به دلیل ضعف در حوزه معیشتی، نتوانسته در رضایت‌مندی اهالی مؤثر باشد. میانگین به دست آمده از پرسشنامه برای این فرضیه ۲/۴۳ بوده (کمترین میانگین در فرضیه‌ها) که از نقطه برش یعنی ۳ کمتر است.

- درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی بر حس تعلق مردم به محل سکونتشان تأثیر داشته است.

و اجتماع آن‌ها آسیب وارد نشود. به‌گونه‌ای که علی‌رغم جابجایی در موقعیت شهر، اغلب مردم از موقعیت مکانی خانه و مجاورت با همسایگان پیشین راضی‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، اکثر اهالی از حفظ حدود مالکیت خانه‌ها در طرح جامع کالبدی رضایت کامل دارند. همچنین علی‌رغم ثابت بودن مساحت زمین نسبت به قبل، محدود بودن سطح زیربنا و تعداد اتاق‌ها و کمبود کمک‌های نقدی دولت، با توجه به انجام تقسیمات فضایی و طراحی داخلی خانه توسط ساکنین درصد قابل توجهی از پاسخگویان از تقسیم فضاها و طراحی داخلی خانه رضایت دارند.

بنابراین ظاهراً بازسازی مسکن، تنها زمینه‌ای است که مردم از آن شکایتی ندارند. با وجود رضایت نسبی اهالیاز بخش مسکن، آنچه در بازدید از شهر جلب توجه می‌کند، واحدهای مسکونی نیمه‌ساز و مخروبه‌ای است که مصالح قابل استفاده‌ی آن‌ها (تیرآهن و قاب بازشوها) جدا گردیده و ساختمان‌ها رها شده‌است. این ساختمان‌ها همان واحدهای با مالک راضی هستند که امروز خالی از سکنه رها شده و اغلب مالکانشان به دلایلی از قبیل عدم توجه به معیشتشان در بازسازی و عدم تأمین معیشت پس از بازسازی با روش‌های سابق، به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند (شهرکی، اسفند ۹۴). این مسئله نشان‌دهنده اثر سایر فاکتورها بر نتیجه این فرضیه است به طوری که نتیجه به‌دست آمده علی‌رغم میانگین به‌دست آمده برای این فرضیه که $3/45$ و بالاتر از نقطه برش است؛ کاملاً راضی‌کننده نیست.

- رضایت مردم از بازسازی مطلوب است (فرایند بازسازی موفقیت‌آمیز بوده‌است).

برای آزمون این فرضیه از آزمون t -test گروه‌های وابسته استفاده شده‌است. نتایج نشان‌دهنده $sig < 0.05$ و معنی داری رابطه بین متغیرهاست. نتایج

پرسش‌های این فرضیه، به‌شرح زیر است:

در سؤال ۱۲، ۸۲٪ ساکنان از بازسازی خانه‌شان تا حدودی رضایت دارند و تنها ۱۸٪ رضایت نداشته‌اند. به‌نظر می‌رسد که مشارکت نسبی مردم موجبات رضایت نسبی آنان را فراهم نموده‌است.

در پاسخ به سؤال ۱۳، ۷۸٪ ساکنین از بازسازی شهرشان تا حدودی راضی بوده‌اند. ۱۷٪ دارای رضایت کم و ۵٪ نیز اصلاً راضی نبودند.

میانگین به‌دست آمده از مجموع پرسش‌های وابسته به این فرضیه $2/78$ است که نشان‌دهنده عدم موفقیت بازسازی از دیدگاه ساکنین است. با توجه به نزدیکی $2,78$ به نقطه برش و ابراز رضایت نسبی اکثر پاسخ‌دهندگان، می‌توان وضعیت این فرضیه را بهتر از فرضیه نخست در نظر گرفت.

فرایند بازسازی رفیع، در مقایسه با تجارب گذشته، دارای قوت و ضعف‌هایی است که در جدول شماره ۹ به آن‌ها اشاره شده‌است.

نتیجه

از بازسازی رفیع می‌توان درس‌هایی از قرار زیر اخذ نمود:

۱. توجه به ارتباط میان احیای سنت‌های اجتماعی و اقتصادی بر میزان حس تعلق مکانی به منطقه بازسازی شده یکی از مهم‌ترین نکاتی است که بایستی در هر فرایند بازسازی پس از سوانح در نظر گرفته شود. لازمه وقوع چنین فرایندی بهره‌گیری از نیروهای متخصص بومی مسلط به سنت‌های محلی، با نقش واسط میان مسئولان و اهالی، در تیم برنامه‌ریزی و طراحی بازسازی است. این امر، موجب تسریع و افزایش مشارکت مردمی است. جامعه را در هر زمانی که فرصت هست بایستی مشارکت داد چراکه به‌منظور پایداری بازسازی درک پیچیدگی‌های زمینه اهمیت

دارد (Brown, 2010).

۲. بازسازی با پیوند با گذشته، موجب حفظ مالکیت‌ها و موقعیت همسایگی‌ها بر پایه وابستگی به تیره گردیده و رضایت نسبی مردم را در پی داشته‌است. چراکه حل مسائل مالکیت زمین موجب موفقیت بازسازی است (فلاحی، ۱۳۸۴).

۳. فرایندی که بر اساس آن خانواده خانه را دریافت می‌کند، خیلی مهم‌تر از واقعیت دریافت آن توسط آن خانواده است (زرگر، ۱۳۶۹، ۴۴). در رفیع به‌کارگیری مدل‌های مالک-محور^۶ در مسکن روستایی توانسته تضاد بین خانه را با نیاز ساکنان کاهش دهد (پروا و دولا، ۱۳۸۹). تجربه رفیع نشان می‌دهد که توجه به مالکیت‌های پیشین، علی‌رغم وجود بسیاری از نقصان‌ها، می‌تواند اقبال برنامه بازسازی را تا چه حدی افزایش دهد.

۴. بلوک‌بندی‌ها و موقعیت استقرار اهالی رفیع با وابستگی طایفه‌ای مطابقت دارد. با توجه به عدم رعایت این اصل در تجارب قبلی بازسازی و اختلافات ناشی از آن، اتخاذ این رویکرد از احتمال بروز درگیری‌های قومی میان مردم پیشگیری نمود تا بازسازی رفیع بدون برهم زدن ساختار قومی، پیش رود.

۵. توجه به اولویت اصلی بازسازی از نظر اهالی بومی، یعنی احیای معیشت و تقدم بازتوانی اقتصادی نسبت به بازسازی کالبدی سریع (فلاحی، ۱۳۸۴). میزان کمک‌های بلاعوض در اغلب تجارب گذشته بازسازی، توسط اهالی ناکافی قلمداد شده‌است، درحالی‌که در صورت ورود این نقدینگی در حوزه بهبود معیشت، در میان مدت، نتایج مطلوب‌تر و نهایتاً رضایت بیشتری را به ارمغان خواهد آورد. در رفیع علاوه بر عدم توجه به مشاغل سنتی اهالی، شاهد اعمال محدودیت در تردد در تالاب به دلایل نظامی نیز هستیم. امری که همان همچنین این امر به حفظ الگو و بافت اجتماعی و

معیشت پیشین را نیز نابود ساخته‌است. همچنین به‌نظر می‌رسد در بازسازی رفیع، امداددهندگان، کمک‌ها را به‌نحوی عرضه کرده‌اند که مانع جریان احیا شده و وابستگی‌هایی به‌وجود آورده‌است.

۶. شناخت روابط علت و معلولی میان بازتوانی کالبدی و اجتماعی امری اساسی است (آیسان و دیویس، ۱۳۸۵). به‌عنوان مثال می‌توان به رابطه میان سرعت در بازسازی کالبدی و میزان تمایل بازگشت مهاجران به موطن خود اشاره نمود که در مورد رفیع به‌دلیل کندی این فرایند، شاهد کاهش درصد بازگشت اهالی هستیم. این در حالی است که می‌دانیم نگاه صرفاً کالبدی نیز لزوماً به بازگشت و زیست پایدار اهالی نمی‌انجامد.

۷. نگاه به فرایند بازسازی بایستی همه‌جانبه و سیستماتیک باشد، در رفیع می‌بینیم که اهالی علی‌رغم امکان انتخاب طرح خانه خود و نتیجتاً انطباق با سنت سکونتشان، به دلایل دیگر، از جمله معیشتی یا اجتماعی، تمایل اندکی به بازگشت دارند.

۸. طرح بازسازی رفیع با تأکید بر مقیاس شهرسازی نه معماری تهیه شده‌است. با مشارکت مردم، معماران قادر به شناسایی نیازها و طراحی قابل‌پذیرش برای آنان هستند.

۹. توجه به این نکته که جابجایی سکونتگاه‌ها، به‌عنوان آخرین راه‌حل، در بازسازی محسوب می‌شود (فلاحی، ۱۳۸۴) و بایستی تا جای امکان از آن اجتناب کرد، موجب انتخاب سیاست درجاسازی و حفظ مالکیت‌ها در رفیع شده‌است. در اینجا، برای هر شخص حدوداً در همان موقعیت سابقش در کنار سایر همسایگان، زمینی در نظر گرفته شد. این روش، موجب عدم اعتراض مردم نسبت به موقعیت زمین خود و همچنین، حفظ ارزش زمین با توجه به موقعیت پیشین برای مالک شد. در نتیجه حفظ تعلق اجتماعی ساکنین شده که رضایت

نسبی مردم را به دنبال دارد.

۱۰. در طرح بازسازی رفیع، وفاداری به تصویر ذهنی افراد از سکونتگاه پیشین وجود دارد. تلاش طراحان در این زمینه، در دو مقیاس معماری و شهرسازی قابل رؤیت است. در معماری، توجه به مشارکت ساکنین در تقسیمات فضایی و طراحی داخلی، رضایت را افزایش داد. در شهرسازی، همچنین در فرایند بازسازی، در کنار تأمین استانداردهای شهری ساختار کلی شهر حفظ شد به طوری که اهالی با استفاده از خیابان اصلی، محدوده‌ی ملک سابق خود را روی زمین نشان می‌دادند.

امری که بر پذیرش طرح توسط مردم، نقش مؤثری داشت (شهرکی، اسفند ۹۴).

۱۱. تعدد خانه‌های رهاشده در سطح شهر، علاوه بر نشان دادن اهمیت فاکتورهای غیرکالبدی در کنار کالبد، بیانگر میزان بسیار زیاد اتلاف منابع محدود بازسازی است که در اثر نگاه سیاسی کم‌کدهندگان به امر بازسازی، فقدان برنامه تخصصی (ترجیحاً پیشین) و درگیری مسئولین با مسائل روزمره رخ داده است. امری که افق دید ایشان را به حل مسائل کوتاه‌مدت سوق داده و از مسائل میان‌مدتی مانند معیشت، بازداشته است.

| فرضیه | نقاط ضعف | نقاط قوت |
|--|---|---|
| احیای سنت‌های اجتماعی و تأثیر آن بر حس تعلق مکانی | <ul style="list-style-type: none"> - طولانی شدن دوره مهاجرت مردم - تفاوت اولویت‌بندی مردم و برنامه‌ریزان - بی‌توجهی به ایجاد رونق اقتصادی - بی‌توجهی به احیای کشاورزی و دامداری - محدودیت تردد ساکنین به تالاب | <ul style="list-style-type: none"> - درجاسازی و حفظ مالکیت - عدالت در توزیع منابع - حفظ همسایگی‌ها - تقویت حس تعلق اجتماعی - تقویت حس تعلق مکانی |
| درجاسازی و حفظ مالکیت اراضی و تأثیر آن بر حس تعلق مردم به محل سکونتشان | <ul style="list-style-type: none"> - محدودیت تأمین سرانه‌های خدماتی - عدم توزیع مناسب فضاهای خدماتی - فقدان بستر لازم برای زندگی جمعی - مخفی ماندن جاذبه‌های شهری برای افراد غیر-ساکن | <ul style="list-style-type: none"> - حفظ مالکیت - عدالت در توزیع منابع - حفظ موقعیت خانه و همسایگی - حفظ ترکیب و الگوی اجتماعی - برخورداری از مقیاس انسانی - توسعه به‌روز و هماهنگ فضای شهری - قابل درک بودن کلیت فضای شهری - حفظ نقاط خاطره‌انگیز در شهر |

ج ۹. نقاط ضعف و قوت برنامه‌ها و عملکرد بازسازی در ارتباط با فرضیه‌ها

پی‌نوشت

نمادها و کیفیت‌هایی که به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند. شکل اولیه حس مکان، آشنایی با مکان است که شامل بودن در یک مکان است (فلاح، ۱۳۸۵)، حس مکان عامل اصلی هماهنگ‌کننده و در نتیجه رضایت استفاده‌کنندگان از محیط اطرافشان و دست‌یابی به هویت برای افراد به حساب می‌آید (جلالی، ۱۳۹۶).

۴. تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به‌واسطه مکان تعریف می‌کنند. در واقع احساس تعلق و دل‌بستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت به‌منظور تداوم حضور در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵)، فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند تبدیل به یک مکان می‌شود.

۱. واژه رضایتمندی/Satisfaction در فرهنگ لغات آکسفورد به‌صورت، احساس خوشایندی به‌وسیله آنچه توسط شما یا مردم دیگر انجام می‌شود، تعریف شده است. ارزیابی میزان رضایت به دو دلیل انجام می‌گیرد: تشخیص میزان مطلوبیت سکونت و پیش‌بینی دقیق رفتارهای ساکنین (Amérigo & Aragonés, 1990).

۲. دل‌بستگی به مکان، عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط که در نهایت موجب احساس تعلق آن‌ها به محیط زندگی، رضایت آن‌ها و تداوم حضور بوده و به رابطه شناختی با محیط یا یک فضای خاص، اطلاق می‌شود (جلالی، ۱۳۹۶).

۳. حس مکان/Sense of Place ترکیبی است پیچیده از معانی،

- آرتور، ع. (۱۳۶۴)، شناخت مسائل کلیدی در مناطق جنگ‌زده جهت بازسازی و اسکان، ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی بازسازی منطق جنگی، تهران.
- آيسان، ی؛ دیویس، ی. (۱۳۸۵)، معماری و برنامه‌ریزی بازسازی (دوم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- براتی، ن. داود پور، ز؛ منتظری، م. (۱۳۹۱). روش تحقیق در مطالعات محیطی (ج ۱).
- پروا، م؛ دولا، ک. (۱۳۸۹)، تفاوت روش‌های بازسازی مسکن پس از زلزله در مناطق شهری و روستایی. ۳۵-۴۹. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- جلالی، ت. (۱۳۹۶). حس تعلق فضایی-مکانی مناطق در بازسازی پس از جنگ موارد مطالعاتی اروپای پس از جنگ دوم جهانی و دفاع مقدس. دانش پیشگیری و مدیریت بحران زرگر، ا، (۱۳۶۹)، سرپناه اضطراری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- سازمان برنامه‌وبودجه. (۱۳۵۶)، آمارنامه استان خوزستان ۱۳۵۵. اهواز: سازمان برنامه‌وبودجه.
- سازمان برنامه‌وبودجه. (۱۳۹۶)، آمارنامه استان خوزستان ۱۳۹۵. اهواز: سازمان برنامه‌وبودجه.
- ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. (۱۳۷۰)، عملکرد ۱۰ ساله بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ تهران: ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی، شهید بهشتی، تهران.
- شهرکی، ف. (اسفند ۹۴)، مستندسازی بازسازی شهر رفیع بعد از جنگ تحمیلی. شهید بهشتی، تهران.
- فلاحت، م. (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل آن. هنرهای زیبا، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- فلاحی، ع. (۱۳۸۴)، درآمدی بر مقولات اساسی بازسازی (تصویرات نادرست و واقعیت‌ها). صغه، ۴۰، ۸۹.
- فلاحی، ع. (۱۳۹۰)، ارزیابی سوانح. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی، اصول مالکیت. تهران: نشر دادگستر.
- کوپ، اناتول، معماری بازسازی، ترجمه سید محسن حبیبی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۶.
- لک، آ؛ غلام‌پور، ا. (بهار ۹۴)، درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بم (نمونه موردی: مجموعه مسکونی نرگس). مسکن و محیط روستا، ۱۴۹، ۳۷.
- لینچ، ک. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر (ج. بحرینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- مطوف، ش. (بهار ۸۳)، تحلیل روند بازسازی آبادان و خرمشهر از دیدگاه نظری. باغ نظر، اول (اول)، ۸۵-۱۰۵.
- مطوف، ش. (۱۳۶۵)، بررسی بازسازی شهر هویزه. سازمان

مطالعات محیطی (ج ۱).

- پروا، م؛ دولا، ک. (۱۳۸۹)، تفاوت روش‌های بازسازی مسکن پس از زلزله در مناطق شهری و روستایی. ۳۵-۴۹. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- جلالی، ت. (۱۳۹۶)، حس تعلق فضایی-مکانی مناطق در بازسازی پس از جنگ موارد مطالعاتی اروپای پس از جنگ دوم جهانی و دفاع مقدس. دانش پیشگیری و مدیریت بحران زرگر، ا، (۱۳۶۹)، سرپناه اضطراری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
- سازمان برنامه‌وبودجه. (۱۳۵۶)، آمارنامه استان خوزستان ۱۳۵۵. اهواز: سازمان برنامه‌وبودجه.
- سازمان برنامه‌وبودجه. (۱۳۹۶)، آمارنامه استان خوزستان ۱۳۹۵. اهواز: سازمان برنامه‌وبودجه.
- ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده. (۱۳۷۰)، عملکرد ۱۰ ساله بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ تهران: ستاد مرکزی بازسازی و نوسازی، شهید بهشتی، تهران.
- شهرکی، ف. (اسفند ۹۴)، مستندسازی بازسازی شهر رفیع بعد از جنگ تحمیلی. شهید بهشتی، تهران.
- فلاحت، م. (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل آن. هنرهای زیبا، ۲۶، ۵۷-۶۶.
- فلاحی، ع. (۱۳۸۴)، درآمدی بر مقولات اساسی بازسازی (تصویرات نادرست و واقعیت‌ها). صغه، ۴۰، ۸۹.
- فلاحی، ع. (۱۳۹۰)، ارزیابی سوانح. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی، اصول مالکیت. تهران: نشر دادگستر.
- کوپ، اناتول، معماری بازسازی، ترجمه سید محسن حبیبی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۶.
- لک، آ؛ غلام‌پور، ا. (بهار ۹۴)، درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بم (نمونه موردی: مجموعه مسکونی نرگس). مسکن و محیط روستا، ۱۴۹، ۳۷.
- لینچ، ک. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر (ج. بحرینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- مطوف، ش. (بهار ۸۳)، تحلیل روند بازسازی آبادان و خرمشهر از دیدگاه نظری. باغ نظر، اول (اول)، ۸۵-۱۰۵.
- مطوف، ش. (۱۳۶۵)، بررسی بازسازی شهر هویزه. سازمان

- برنامه‌ویبودجه.
- مطوف، ش. (۱۳۶۷)، ارزیابی بازسازی شهر هویزه (ص ۱۸۳). سازمان برنامه‌ویبودجه.
- مظهري، م. (۱۳۷۲)، بازسازی مسکن جزیره آبادان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۹۴)، روح مکان: به‌سوی پدیدارشناسی معماری (م. شیرازی، مترجم). رخ داد نو.
- Amérigo, M. & Aragonés, J. I. (1990). Residential satisfaction in council housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10(4), 313-325. [https://doi.org/10.1016/S272-4944\(5\)80031-3](https://doi.org/10.1016/S272-4944(5)80031-3).
- Brown, C. (2010). *The 21st Century urban disasters*. CHF international.
- buri, george. (2008). "Between Education and Catastrophe": Public Schooling and the Project of Post-War Reconstruction in Manitoba ۱۹۴۴-1960. Faculty of Graduate Studies of The University of Manitoba, Department of History.
- Mirisae, S. M. & Ahmad, Y. (2018). Post-war tourism as an urban reconstruction strategy case study: Khorramshahr. *International Journal of Tourism Cities*, 4(1), 81-97. <https://doi.org/10.1108/IJTC-۷-2017-0039>
- S.M, M. M.A, I. & A. F. (2015). Post-War Resettlement and Urban Reconstruction: A case study of Khorram-Shahr, Iran. *Journal of Design and Built Environment*, 15(2), 39-47. <https://doi.org/10.22452/jdbe.vol15no2>,
- <https://doi.org/10.22034/40.173.19>